**دشمن‌شناسی و شیوه‌های نفوذ دشمن**

**ایجاد انگیزه**

با پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان اسلام بیش از پیش خود را برای مقابله با اسلام ناب آماده کردند. آن‌ها همواره سعی نمودند تا از راه‌های گوناگون کیان و عظمت اسلام را متزلزل سازند؛ بنابراین برای دفاع از حریم اسلام و انقلاب اسلامی در مرحله اول باید دشمن را شناسایی کرد و سپس با تأسی به اولیای الهی روش برخورد با آنان را آموخت؛ زیرا دشمن با چهره‌های گوناگون ظاهر می‌شود و برای هر زمانی باید سلاحی متناسب با آن زمان را به کار گرفت. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاه‏[[1]](#footnote-1)؛ به راستی عاقل‌ترین مردم بنده‌ای است که پروردگارش را بشناسد پس او را اطاعت کند و دشمنش را بشناسد پس از او سرپیچی کند.»

ضرورت و اهمیت شناخت دشمن از نگاه دقیق و وحیانی آیات قرآن نیز مخفی نمانده است. با تاملی دقیق در آیات درمی‌یابیم که تا چه اندازه قرآن کریم نسبت به «شناساندن دشمن» حساسیت نشان داده است، به طوری که بیش از هزار و پانصد آیه از آیات قرآن پیرامون دشمن‌شناسی است. این آیات، انواع دشمنان مؤمنان و نظام اسلامی، ابزار و شیوه‌های دشمن و راه‌های مقابله با آنان را به مسلمانان می‌آموزد.

امروزه نیز ما در میدان جنگ هستیم. در سال‌های اخیر اسلام هراسی، شیعه هراسی و ایران هراسی که توسط استکبار جهانی به شکل‌های گوناگون ضد جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود، یکی از تاکتیک‌های دشمنان در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران است.

به نظر شما دشمن از چه راه‌هایی نفوذ می‌کند؟ دشمنان ایران اسلامی برای تجاوز و حمله به این کشور از چه شیوه‌ها و تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند؟ چگونه می‌توان در مقابل نفوذهای دشمنان ایستادگی کرد؟

**متن و محتوا**

همان‌گونه که علوم و فن‌آوری‌ها روز بروز در حال به روز و نو شدن است، راه‌های نفوذ دشمن نیز روز به روز تغییر می‌کند؛ برخی از شیوه‌های نفوذ دشمنان عبارت‌اند از:

**الف) ایجاد اختلاف بین مسئولین و اقشار مختلف**

اختلاف و تفرقه یکی از ابزارهای نفوذ دشمنان است. این ابزار که بسیار کارآمد نیز هست، باعث شکستن صفوف مستحکم مؤمنان شده و دشمنان نیز از آن برای انحراف مؤمنین استفاده می‌کنند. خداوند در قرآن مسلمان را به وحدت و دوری از تفرقه سفارش کرده است «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانا[[2]](#footnote-2)؛ و همگى به ريسمان خدا [قرآن و اسلام و هرگونه وسيله وحدت‏]، چنگ زنيد و پراكنده نشويد! و نعمت (بزرگِ) خدا را بر خود، به ياد آريد كه چگونه دشمن يكديگر بوديد و او ميان دل‌های شما، الفت ايجاد كرد و به بركتِ نعمتِ او، برادر شديد.»

روزی اوسیان و خزرجیان در نقطه‌ای گرد آمده بودند. وحدت و یگانگی این دو گروه که دیروز دشمن خون آشام یکدیگر بودند، یکی از یهودیان را سخت متأثر کرد. او فوری به یک جوان یهودی که در آن میان بود، اشاره کرد و خاطرات تلخ جنگ‌های گذشته را که میان دو قبیله وجود داشت، به یاد آنان آورد.

جوان یهودی سرگذشت جنگ «بعاث» را که سرانجام اوسیان بر خزرجیان پیروز شدند، یادآوری و آن خاطرات تلخ را آن‌چنان مطرح کرد که نزاع و تفاخر میان دو دسته اوس و خزرج آغاز شد. نزدیک بود که آتش جنگ میان آنان شعله‌ور شود که خبر به پیامبر رسید و آن حضرت از نقشه شوم مخالفان آگاه شد و به سرعت با گروهی از یارانش نزد آنان آمد و هدف اسلام و برنامه عالی خود را متذکر شد و فرمود: «اسلام شما را با یکدیگر برادر کرد. باید کینه‌ها و خشم‌ها را به دست فراموشی بسپارید...». آنان همدیگر را در آغوش گرفتند و از درگاه خداوند طلب آمرزش کردند.[[3]](#footnote-3) امروزه نیز صهیونیزم جهانی برنامه‌های جدی جهت ایجاد شکاف و اختلاف افکنی بین دولت و ملت ایران دارد و شاید یکی از اهداف افزایش تحریم‌ها و اختلافات مذهبی و قومی همین ایجاد شکاف بین مردم و ملت باشد و یکی از دلایل نامگذاری شعار امسال «دولت و ملت همدلی و هم زبانی» از سوی رهبری همین مطلب است.

امام علی (ع) در خطبه ۱۲۲ یکی از راه‌های تأثیرگذاری و نفوذ دشمنان را تفرقه‌افکنی می‌دانند. حضرت علی(ع) در خطبه ۱۲۷ تأکید می‌کنند: «به اکثریت التزام داشته باشید كه دست خدا همراه جماعت است و از تفرقه بپرهيزيد كه موجب آفت است. آنكه از جمع مسلمانان به يك سو شود، بهره شيطان است، چنانكه گوسفند چون از گلّه دور ماند نصيب گرگ بيابان است. آگاه باشيد، هر كه مردم را بدين شعار بخواند او را بكشيد، هرچند زير عمامه‏ من باشد.»[[4]](#footnote-4)

سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" انگلیس پس از فرقه سازی بر بستر اختلافات عقیدتی، با تضعیف تشیع در برابر سایر مذاهب اسلامی ادامه پیدا کرد. اما این تضعیف مستقیم شیعیان نبود؛ بلکه با میزبانی از شیعیانی بود که با جهل خود (یا همراهی با MI6)، تشیع و شیعیان را هدف گرفتند. تربیت مرجعیت در لندن، تبلیغ آزادانه شیعیان افراطی مورد نظر از انگلیس (و آمریکا) و راه‌اندازی شبکه‌های متنوع در انگلیس و آمریکا از جمله این اقدامات است

یکی از ردپاهای اولیه نفوذ انگلیس در تشیع به زمانی بازمی‌گردد که میرزای شیرازی به مقابله قراردادهای استعماری انگلستان پرداخت و علمای شیعه پس از آن در هر فرصتی بر ضد این قدرت استعمارگر فتوای جهاد و مقاومت می‌دادند. دولت انگلیس و سرویس اطلاعاتی این کشور میزبان برخی از مراجع شیعه شد و با بهره‌گیری از محبوبیت آن‌ها در اروپا، بستر پرورش طلبه‌های جوان با گرایش‌های ضد نظام اسلامی و در مغایرت با روش غالب مراجع عظام شیعه در قم و نجف، فراهم کردند.

این پرورش "روحانی لندنی" ادامه پیدا کرد تا امروز به مرحله معرفی "مرجعیت انگلیسی" رسید و مراجعی از خاندان‌های شناخته‌شده، متأسفانه در مسیر طراحی شده MI6، تا مرحله زیر سؤال بردن اصل و اساس نظام اسلامی، مراجع گران‌قدر شیعه و ولایت‌فقیه و ... پیش رفته‌اند. اسلام و تشیع مورد نظر این افراد، نه کاری به سلطه‌گری آمریکا دارد و نه مشکلی با اشغالگری رژیم اسرائیل. نه دفاع از کودکان مظلوم غزه را وظیفه خود می‌داند و نه نسبت به داعش حساسیتی نشان می‌دهند.

وزیر سابق اطلاعات با تأکید بر اینکه دشمنان هیچ‌گاه از تفرقه‌افکنی دست برنمی‌دارند، گفت: چند سال قبل عده‌ای متوجه می‌شوند در یکی از شهرهایی که هم اهل سنت و هم شیعیان هستند، شخصی بلندگو را از سمت مسجد شیعیان به سمت مسجد اهل سنت گذاشته و هر روز هم روضه حضرت زهرا را می‌خواند. روضه‌ای هم می‌خواند که خلفاء را مورد تعرض قرار می‌داد. این سؤال بالاخره برای کسی پیش آمد و رفت پیش روضه‌خوان. روضه‌خوان گفت شخصی در بازار هست که نذر این روضه را دارد و به من پول می‌دهد که هر روز بخوانم. او به سراغ آن شخص بازاری رفت و پرسید این نذر چیست؟ او هم اعلام بی‌اطلاعی کرد و بعد از چند واسطه به سفارت انگلیس رسید[[5]](#footnote-5).

**ب) ایجاد تردید و شبهه**

ایجاد تردید برای انسان از جمله شیوه‌های نفوذ دشمنان است که از این طریق زمینه پذیرش انحرافات برای انسان می‌شود. تردید عمدتاً با وسوسه شروع می‌شود. وسوسه می‌تواند افراد را نسبت به باورهای خود سست نموده و راه را برای تردید و حیران شدن فراهم نماید و کسی که به این درجه از باور برسد، نمی‌تواند تصمیم درستی بگیرد.

دشمنان با ایجاد شبهه، باطلی را حق معرفی می‌کنند و زمینه انحراف دیگران را فراهم می‌کنند. امام علی (ع) درباره شبهه و باطل می‌فرماید: «شبهه را از این رو شبهه نام نهادند که شباهت به حق دارد اما برای دوستان خدا، نوری که آنان را در تاریکی‌های شبهه راهنمایی کند، یقین آن‌ها است و راهنمای آن‌ها، مسیر هدایت است، ولی دشمنان خدا، گمراهی‌شان آنان را به شبهات دعوت می‌کند.»[[6]](#footnote-6)

در چنین شرایطی که حق و باطل درهم می‌آمیزند و شبهه‌ها ایجاد می‌شود، افراد بی‌بصیرت به خاطر فهم اشتباه به عنوان ابزاری در دست دشمنان قرار می‌گیرند و ناخواسته و با نیت حق مداری به عنوان عاملان عده‌ای که تعمداً حق و باطل را درهم آمیخته‌اند، عمل می‌کنند.

در شرایط فتنه غبار شبهات جامعه را فرامی‌گیرد و حضرت علی (ع) نقطه عزیمت فتنه‌ها را آنجایی می‌داند که هواهای نفسانی مورد متابعت قرار می‌گیرد و پشت‌بند آن تئوری سازی و بدعت صورت می‌گیرد. «إِنَّمَا بَدْءُ وُقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا»[[7]](#footnote-7)

شبهاتی که امروزه در فضاهای مجازی درباره حجاب، ولایت‌فقیه، حقوق زنان و نظام اسلامی نشر پیدا می‌کند حرکتی برنامه‌ریزی‌شده از سوی دشمنان است که باید جوانان با سلاح علم به دفاع از کیان اسلامی برخیزند.

**ج) جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی**

از دیگر راه‌های نفوذ دشمنان ایجاد «جنگ تبلیغاتی» است. در قرآن کریم مواردی از جنگ تبلیغاتی را می‌توان یافت که دشمنان با هدف ضربه زدن به جامعه اسلامی از آن استفاده می‌کنند. مواردی از قبیل تحقیر مؤمنان و بزرگ‌نمایی مخالفان، توجیه، شایعه، تضعیف باورهای دینی، اظهارات دروغین و یا ریاکارانه، وعده‌های دروغین، فریب و... از جمله آن‌ها می‌باشد. هدف دشمنان از چنین رفتارهایی القای یأس و ناامیدی در مردم و روی برگرداندن از اولیاءالله و دستورات الهی است. به عنوان مثال می‌توان به شگرد فریب اشاره کرد که معمولاً با کذب و دروغ همراه است. قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «إِذا جاءَکَ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقِینَ لَکاذِبُون؛ هنگامى که منافقان نزد تو آیند مى‏‌گویند: ما شهادت مى‌‏دهیم که به یقین تو رسول خدایى! خداوند مى‌‏داند که تو رسول او هستى، ولى خداوند شهادت مى‏‌دهد که منافقان دروغ‌گو هستند.»

امام علی(ع) از جنگ تبلیغاتی دشمنان به رعدوبرق تعبیر می‌کند و تأکید می‌کند که آنان می‌خواهند از طریق ایجاد سروصدا، به نتیجه برسند؛ اما باید دانست که باطل محکوم به فنا است: «قَدْ أَرْعَدُوا وَ أَبْرَقُوا وَ مَعَ هَذَيْنِ الْأَمْرَيْنِ الْفَشَلُ وَ لَسْنَا نُرْعِدُ حَتَّى نُوقِعَ وَ لَا نُسِيلُ حَتَّى نُمْطِر؛ (بازیگران کارزار جمل)، چون رعد خروشيدند و چون برق درخشيدند، اما كارى از پيش نبردند و سرانجام شکست خوردند! ولى ما این‌گونه نيستيم تا عمل نكنيم، رعدوبرقی نداريم و تا نباريم سيل جارى نمى‏سازيم.»

دشمن با شگردهای متعددی در جهت ایجاد رعب و وحشت در بین اقشار مختلف مردم است و می‌خواهد تا با جوسازی و تبلیغات منفی و خالی کردن دل مسئولین و مردم، زمینه نفوذ خود را فراهم کند.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرمایند: «راجع به سند چشم‏انداز صحبت بشود، می‏گویند آقا به این سند توجهی نشده؛ راجع به پیشرفت‌های علمی بحث بشود، می‏گویند این‏ها خیلی اهمیتی ندارد؛ راجع به انتخابات بحث بشود، این شبهه‏ها و خدشه‏ها را پیش می‏آورند؛ راجع به جوان‌ها صحبت بشود، اشاره می‏کنند به تخلف چند تا جوان در یک‏طرفی! یعنی همه‏ی این نقاط مثبت، این قله‏های برجسته‏ای که همه‏اش امید افزا هست، این‏ها را سعی می‏کنند در چشم‌ها کم‏رنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را- نمی‌گوییم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد- بزرگ‏نمائی کنند؛ چند برابرِ آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه نمائی کنند؛ تلقی‏های بدبینانه‏ی نسبت به نظام را گسترش بدهند. می‏بینید دیگر؛ به‏زور می‏خواهند این یأس را به جامعه القاء کنند. وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویائی خواهد افتاد.»[[8]](#footnote-8)

**د) استفاده ابزاری از مقدسات**

یکی از شیوه‌های نفوذ دشمنان استفاده ابزاری از مقدسات بوده است. استفاده معاویه در جنگ صفین از قرآن برای فریب یاران امام علی (ع) نمونه‌ای از این شیوه است.

در جنگ صفين نيروهاي حضرت علي(ع) نيروهاي معاويه را در آستانه شكست قرار دادند. عمر و عاص براي رهايي از اين شكست، پيشنهاد داد كه شاميان قرآن‌ها را بر نیزه‌ها بزنند و بالا ببرند و از نيروهاي علي(ع) بخواهند كه قرآن را بين خود حكم و داور قرار بدهند. پيشنهاد عمر و عاص مورد قبول معاويه قرار گرفت و شاميان با بلند كردن قرآن‌ها، خواستار حكميت قرآن شدند. حضرت علي(ع) به نيروهاي خود فرمود: فريب نخوريد، آنان می‌خواهند خود را از شكست نجات بدهند و به قرآن اعتقاد ندارد. تعداد زيادي از نيروهاي عراقي با علي(ع) مخالفت كردند و گوش به حرف آن حضرت نكردند.

استفاده ابزاری خوارج از آیه «لا حکم الا لله» نیز یکی از استفاده‌های ابزاری دشمنان از مقدسات است.

وقتي كه علي(ع) از خوارج شعار «لا حكم الا لله» را شنيد فرمود: «لا حكم الا لله» سخن حقي است ولي آنان از آن باطل اراده می‌کنند.[[9]](#footnote-9)»

امروزه نیز دشمنان انقلاب اسلامی به دنبال نفوذ از این طریق در مراسمات و برنامه‌های مذهبی و تغییر ماهیت این برنامه هستند و به دنبال این هستند تا روح معنویت و سازندگی از این فعالیت‌های دینی برداشته شود و پوسته خالی آن باقی بماند.

اما وظیفه ما

امیر مؤمنان علی (ع) با هشدار به همگان می‌فرمودند: «ای مردم! در طریق هدایت از کمی افراد وحشت نکنید؛ زیرا مردم در اطراف سفره‌ای اجتماع کرده‌اند که مدت سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است.»[[10]](#footnote-10)

همان‌گونه که دشمنان تلاش می‌کنند تا با ظاهرفریبی‌ها چشم‌ها را خیره کنند و عقل‌ها را بربایند، بر همگان لازم است تا بیدار باشند. از این رو ما هیچ‌گاه نباید فریب چراغ سبز نشان دادن و یا لبخند زدن و گرم گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی را بخوریم چرا که آمریکایی‌ها انسان‌های شریفی از زنان و مردان و دانشمندان و حتی کودکان بی‌گناه ما را باواسطه یا بی‌واسطه در طول بیش از سه دهه کشته‌اند که تاکنون هیچ‌گاه قصاص و جبران و تدارکی نسبت به آن صورت نگرفته است.

1. **. بحار الأنوار، ج‏74، ص 179.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. آل‌عمران/ 103.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. تاریخ اسلام، ص 56.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. نهج‌البلاغه، خ 127. «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى‏] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ‏ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشِّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي‏»** [↑](#footnote-ref-4)
5. . سایت رجانیوز، 4/12/93. [↑](#footnote-ref-5)
6. **. نهج البلاغه، ج 38.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **. کافی، ج 1، ص 54.** [↑](#footnote-ref-7)
8. **. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری،2/7/1388.** [↑](#footnote-ref-8)
9. **. نهج الیلاغه، خ 41.** [↑](#footnote-ref-9)
10. **. نهج البلاغه، خ 201.** [↑](#footnote-ref-10)